

# سخن

شماره ۵

شهریور ۱۳۴۰

دوره دوازدهم

## تحول زبان فارسی

اگر عبارتی از سنگنوشته‌های شاهان هخامنشی را که به زبان فارسی باستان است با عبارتی که در فارسی امروز درست به همان معنی باشد بسنجیم اختلافهای کونا کونی میان این دو زبان می‌بینیم. برای مثال عبارت ذیل را اختیار می‌کنیم:

بَغ وَ زَرَكْ اهور مزدا... هی شیاتم ادا مرتی یهیا

اهورمزدا خدای بزرگی است که شادی را برای مردم آفرید

تغییراتی که در طی مدتی نزدیک به بیست و پنج قرن در این عبارت کوتاه پدید

آمده از این قرار است:

- ۱- کلمه «بغ» متروک و «خدا» بجای آن معمول شده و همچنین کلمه «ادا» در معنی آفریدن و خلق کردن منسوخ گردیده و کلمه «آفرید» بجای آن بکار رفته است.
- ۲- کلمه «وزرک» به صورت «بزرگ» درآمده، یعنی حرف واو به با و حرف کاف به گاف بدل شده و مصوت‌های میان حروف تغییر کرده و مصوت آخر این کلمه حذف شده است و در ماده کلمات «شیاتم» و «مرتی یهیا» که «شادی» و «مردم» در فارسی جدید جانشین و بازمانده آنهاست حرف «ت» به «د» تبدیل یافته است.

۳ در کلمات « شیاتم » و « مرتی بهیا » اجزاء صرفی که در اولی نشانه حالت مفعولی مفرد مؤنث و در دومی علامت حالت اضافه مفرد مذکر است ساقط شده است .  
 ۴ - کلمات « است » و « را » و « برای » به اجزاء عبارت افزوده شده است ،  
 ۵ - ترتیب اجزاء جمله تغییر یافته است ؛ یعنی در فارسی باستان فعل « ادا » پیش از مفعول و در فارسی جدید فعل « آفرید » در آخر جمله آمده است .  
 این تغییرات چند گونه است : نوع اول متروک شدن بعضی از کلمات و استعمال الفاظ جدید به جای آنهاست . نوع دوم تغییر اصوات و حروف کلماتی است که با همان لفظ و بهمان معنی در طی این مدت دراز در زبان باقی مانده است . نوع سوم تحولی است که در ساختمان کلمات رخ داده ، یعنی چون صورت صرف اسم که نشانه رابطه آن با اجزاء دیگر جمله بوده از میان رفته است ناچار برای بیان این رابطه به اجزاء تازه ای احتیاج حاصل شده است . نوع چهارم که مربوط به ترتیب اجزاء جمله است امری نحوی است .



با ملاحظه این تغییرات چند سؤال به ذهن خواننده می گذرد :  
 اول آنکه آیا در این دیگر کونیها رسم و روش ثابت و معینی وجود دارد یا نظم و ترتیبی در کار نیست ؟  
 دوم آنکه این گونه تحول ها عام است ، یعنی در همه زبان ها یکسان روی می دهد یا در هر زبانی به شکلی و طریقی دیگر انجام می گیرد ؟  
 سوم آنکه آیا این تغییرها در زمان معینی حاصل شده است ، یا همواره نظیر آنها در زبان انجام می گیرد ؟

برای پاسخ دادن به این پرسشها نخست باید بدانیم که در « زبان شناسی » هیچ قاعده و قانونی وجود ندارد که با استدلال عقلی و منطقی حاصل شده باشد . زبان شناسی علم است به معنی امروزی آن ، و با فلسفه تفاوت دارد . علم را از مشاهده و تجربه به دست می آورند . بنابراین برای آنکه بدانیم در کار تحول حروف نظمی هست یا نیست یگانه راه آن است که هر چه بیشتر بتوانیم کلماتی را که از زبانهای ایرانی باستان (فارسی هخامنشی و اوستائی) بازمانده است با صورتی که همان کلمات در فارسی امروز دارند برابر کنیم . اول کلماتی را از آن زبان های کهن اختیار می کنیم که حرف آغازی آنها یکی

باشد ، یعنی فی المثل همه به حرف « ی » ( y ) شروع شود ( ۱ )

جوی - Yauviyā      جگر - Yakare

جو - Yava-      جوان - Yavan-

۱ - در این مقالات برای آنکه کلمات درست خوانده شوند حروف لاتینی را بکار می بریم . اینجا حرف های a و o به ترتیب نشانه زیر وزبر و پیش است و u و o و u نشانه الف معدود ، و او ما قبل مضموم ، و یای ما قبل مکسور . x نشانه خ ؛ q نشانه ق و غ ؛ g = گ ؛ z = ز ؛ j = ج است .

جام	=	Yama-	جادو	=	Yātu-
جدا	=	Yuta-	جفت	=	Yuxta

از مقایسه این کلمات با معادل فارسی آنها چنین نتیجه می‌گیریم که غالباً حرف «ی» اگر در آغاز کلمات قرار داشته در تحول زبان فارسی به «ج» بدل شده است.

اکنون باز دو سؤال دیگر طرح می‌شود: یکی آنکه آیا این تحول در همه کلمات روی داده است یا استثنا دارد؟ دیگر آنکه تبدیل حرف «ی» به «ج» در همه مواضع کلمه حاصل می‌شود یا تنها مختص آغاز کلمه است؟

جواب این هر دو پرسش را نیز باید به همین روش، از روی مشاهده و استقراء به دست بیاوریم. کلماتی را در زبانهای کهنه می‌جوئیم که در آنها حرف «ی» میان کلمه واقع شده باشد و آنها را با صورت کنونی همان کلمات می‌سنجیم. از این مقایسه نتیجه حاصل می‌شود که در مواضع دیگر کلمه چنین تحولی روی نداده است پس این قاعده یا قانون خاص آغاز کلمه است. دیگر آنکه در موارد بسیار متعدد حرف «ی» آغازی به «ج» بدل شده و تنها یکی دو مورد استثنا وجود دارد.

زبان شناس تنها به یافتن موارد استثنا قانع نمی‌شود بلکه علت آنرا نیز جستجو می‌کند. یکی از علت های وجود استثنا آن است که، تحول حروف در تلفظ و نداول حاصل می‌شود و البته کلمه‌ای که نوشته شده باشد دستخوش تغییر نیست. پس کلماتی که مورد استعمال عام ندارد و تنها در نوشتن و خواندن به کار می‌رود از قاعده تحول می‌گریزد.

پاسخ پرسش دوم را، درباره این که آیا هر یک از انواع تحول عام است یا به زبان و لهجه خاصی تعلق دارد، باز باید از روی استقراء یافت. برای آنکه مثالها همه مربوط به فارسی و لهجه های دیگر ایرانی باشد بعضی از کلمات ایرانی باستان را اختیار می‌کنیم و معادل آنها را در لهجه های جدید ایرانی می‌جوئیم:

کلمه Yava اوستائی که در فارسی به «جو» بدل شده است در لهجه سیوندی (فارس) به صورت «یو» و در لهجه کاشانی به شکل «ya» و در لهجه شغنی «یوج» و در لهجه مگری به شکل «yo» وجود دارد.

کلمه Vehrka اوستائی در فارسی «گرک» و در لهجه کاشانی «Varg» و در مازندرانی «Vorg» و در پشتو «لوک» و در کردی «Varg» شده است.

کلمه اوستائی Vafra در فارسی «برف» و در لهجه های کبری و مازندرانی و کاشانی و کیلیکی «ورف» شده است.

از همین چند مثال که برای نمونه آورده شد معلوم می‌شود که تحول هر حرف در زبانهای مختلف و حتی در لهجه ها و شعبه های یک زبان به صورت واحد انجام نمی‌گیرد یعنی قاعده ای که برای تحول یک حرف از روی سنجش صورتهای قدیم و جدید کلمات

يك زبان به دست بیاید تنها برای همان زبان یا لهجه اعتبار دارد و قابل اطلاق بر زبانها و لهجه های دیگر نیست. به عبارت دیگر قاعده واحد و ثابتی برای تبدیل حرف معین به حرف دیگر وجود ندارد که در همه زبانها معتبر باشد پس در مورد هر زبان باید قاعده خاص آنرا به وسیله استقراء کشف کرد.

\*

اما پاسخ پرسش سوم این است که البته هرزبانی پیوسته در حال تحول است و هرگز نمی توان معتقد شد که زبانی صورت ثابتی پیدا کند و دیگر دستخوش تغییر نباشد. اما غالباً هر نوع تغییری در اصوات و ساختمان زبان متعلق و مربوط به دوره خاصی است یعنی اگر قاعده تبدیل حرف «ی» آغازی به «ج» همیشه در زبان فارسی رایج بود می بایست دیگر در این زبان کلمه ای نتوان یافت که به حرف «ی» آغاز شود و حال آنکه، چنانکه می دانیم، در فارسی امروز کلمات بسیاری با این حرف شروع می شود. مانند «یاور»، «یوز»، و «یخ» و «یاوه» و جز اینها که حرف نخستین آنها به «ج» بدل نشده است. پس تنها در دوره معینی از تحول زبان فارسی چنین تمایلی وجود داشته که موجب تبدیل حرف «ی» به «ج» شده است و در دوره های دیگر این تمایل از میان رفته است.

\*

در این بحث کوتاه نمونه ای از تحول حروف فارسی و قوانینی را که بر این نوع تحول حاکم است نشان دادیم. این مبحث مربوط به رشته ای از زبان شناسی است که «علم تحول حروف در تاریخ زبان» خوانده می شود (Phonétique historique) اما تغییرات دیگری که در آن عبارت کوتاه رخ داده است هر يك مربوط به رشته دیگری از این علم است و درباره آنها بحث جداگانه خواهیم کرد.

پ. ن. خ.

پرتال جامع علوم انسانی

### تصحیح

در تصحیح مجله اشتباهی روی داده است، لطفاً پیش از مطالعه اصلاح فرمائید؛ صفحه ۵۸۶ « قسیان » غلط و صحیح آن « غثیان » است.